

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته

۱۵

به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

اتِّمَاد

یا ویران کردن اعتقاد؟!

۲۳ خرداد ۱۳۸۶

۲۷ جمادی الاولی ۱۴۲۸

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

« الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين

ولعنة الله على أعدائهم أجمعين » .

« قال الله الحكيم في محكم كتابه أعوذ بالله من الشيطان الرجيم »

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴾^(۱) .

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت فرمان) خدا پرهیزید و وسیله‌ای برای تقرب به او بجویید و در راه او جهاد کنید باشد که رستگار شوید .

چکیده سخن :

در سلسله مباحث گذشته پیرامون قدرت حضرات ائمه اطهار علیهم‌السلام در عالم تکوین و وساطت آنان در جریان فیض الهی سخن گفتیم. همچنین با استناد به آیات و روایات، برخی از شبهاتی که ابن تیمیّه و محمد ابن عبدالوهاب نسبت به عقاید مسلمانان بطور اعمّ و عقاید شیعیان بطور اخصّ مطرح کرده‌اند را نقد و رد

۱- سورة مائده، آیه ۳۵.

نمودیم.

یکی از شبهات مهم آنان مسألهٔ توسل به حضرات معصومین علیهم‌السلام، اولیای الهی و در صدر آنان وجود مبارک رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌باشد. این تفکر با دستاویز قرار دادن نفی شرک، می‌گوید: هر نوع حاجت خواهی، تقاضا و استمداد، باید فقط از ذات اقدس ربوبی باشد. در این تفکر استمداد، استعانت و حاجت خواهی از غیر خداوند متعال شرک به حساب می‌آید و توسل به هیچ فردی چه دارای حیات مادی باشد و یا نباشد مجاز نیست.

عملکرد وهابیت در حاکمیت:

وهابیون هنگامی که در عربستان زمام حکومت را بدست گرفتند و از قدرت سیاسی برخوردار شدند، به بهانهٔ شرک خون بسیاری از مسلمانان را ریختند. اینان مشاهد مشرفه و مقابری که مورد احترام مسلمانان بود را با خاک یکسان نمودند. آنان در ادامه تصمیم داشتند روضه رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را همانند بقیع ویران نمایند که با مخالفت یکپارچهٔ مسلمانان روبرو شدند و به این کار دست نزدند اما از توسعه، ترمیم و زیبا سازی روضه رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خودداری نموده آن را به همان گونه‌ای که در عصر عثمانیان بنا شده بود، رها نموده‌اند^(۱).

۱- برای آگاهی بیشتر در مورد جنایات وهابیون به:

الف: کشف الارتیاب اثر سید محسن امین رحمته‌الله‌علیه.

ب: وهابیت مبانی فکری و کارنامهٔ عملی اثر آیت الله سبحانی مراجعه بفرمایید.

انواع استمداد :

در جلسات گذشته بیان نمودیم که در صدر اسلام مسلمانان خدمت رسول الله ﷺ مشرف می شدند و از ایشان برآورده شدن حاجات و تقاضاهای خود را می خواستند و پیامبر ﷺ آنان را کامروا می فرمودند. استمداد و استعانت از دیگران، معمولاً به دو گونه می باشد:

الف: استمداد در امور عادی زندگی :

یاری جستن از دیگران برای برآورده شدن حوایج و خواسته های عادی و روزمره، کمک خواستن از افراد در زمینه هایی که در آن توان و تخصص نداریم، مانند کمک خواستن از مهندس و کارگر برای ساختن خانه. ابن تیمیّه و پیروانش، نباید مخالف این نوع استعانت باشند. زیرا اگر قرار باشد، هر نوع یاری خواستن از دیگران شرک به حساب آید، خودشان نیز در زمره مشرکان قرار می گیرند. چون آنها هم مثل سایر مردم در زندگی روز مره برای برآورده شدن نیازهایشان از دیگران یاری می جویند.

داستان ذوالقرنین :

قرآن کریم صریحاً این نوع یاری جستن را تأیید می کند و آن را شرک نمی داند. قرآن داستان ذوالقرنین را اینگونه نقل می کند: هنگامی که ذوالقرنین به

منطقه شرق رسید، عده‌ای علیه قوم یاجوج و ماجوج به او شکایت کرده گفتند: آنها فساد و تاراج می‌کنند و خون بیگناهان را می‌ریزند. ما به تو پولی می‌پردازیم که میان ما و آنان سدّی^(۱) بنا کنی.

﴿قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا﴾^(۲).

(ذوالقرنین) گفت: آنچه پروردگارم در اختیار من گذارده، بهتر است [از آنچه شما پیشنهاد می‌کنید]، مرا با نیرویی یاری دهید تا میان شما و آنها سدّ محکمی قرار دهم.

اگر هر نوع یاری خواستن از دیگران شرک باشد، باید ذوالقرنین نیز مشرک باشد! زیرا وی برای ساختن سدّ از مردم یاری خواست نه از خداوند.

ب: استمداد در امور غیر عادی :

کمک خواستن و استمداد نمودن از دیگران برای برآورده شدن خواسته‌هایی که بطور متعارف و عادی امکان تحقق آن وجود ندارد، مانند شفا خواستن برای بیماریهای صعب‌العلاج.

توسّلات و عرضه حاجات ما به درگاه حضرات معصومین عليهم السلام بیشتر از این نوع می‌باشد. اگر وهابیتون عناد و لجاحت نداشته باشند در می‌یابند که این نوع از

۱- برخی از مفسرین بر این نظر هستند که دیوار چین، سدّی است که ذوالقرنین آن را ساخته است. برای آگاهی بیشتر رجوع کنید به تفسیر المیزان، جلد ۱۳ صفحه ۳۵۹.

۲- سوره کهف، آیه ۹۵.

توسل و استعانت، مورد تأیید قرآن می‌باشد. آیات فراوانی در این رابطه در قرآن بیان شده است که به مواردی اشاره می‌نماییم.

داستان حضرت سلیمان علیه السلام و تخت بلقیس:

هنگامی که سلیمان پیامبر علیه السلام همه حیوانات را جمع کرد، در میان آنان هدهد را ندید و از علت غیبت او پرس و جو نمود. پس از مدتی هدهد خود را به جمع رساند و عرض کرد:

﴿أَحْطْتُ بِمَا لَمْ تُحِطْ بِهِ وَجِئْتُكَ مِنْ سَبَإٍ بِنَبَأٍ يَقِينٍ﴾^(۱).

من برجیزی آگاهی یافته‌ام که تو بر آن آگاهی نیافتی، من از سرزمین سبا یک خبر قطعی برای تو آوردم.

هدهد ادامه داد که در سرزمین سبا^(۲) قومی را یافته‌ام. فرمانروای آنان زنی

می‌باشد. همچنین دیدم که آنان خداوند را پرستش نمی‌کنند.

﴿إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ *

وَجَدْتُهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ

فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ﴾^(۳).

۱-سوره نمل، آیه ۲۲.

۲- سرزمین ملکه بلقیس در یمن قرار دارد و تا صنعا سه شب راه می‌باشد. (مجمع البحرین، جلد ۲ صفحه ۳۱۷)

۳-سوره نمل، آیات ۲۴ و ۲۳.

من زنی را دیدم که بر آنان حکومت می‌کند و همه چیز در اختیار دارد. بخصوص تخت عظیمی دارد* او و قومش را دیدم که برای غیر خدا، خورشید - سجده می‌کنند و شیطان اعمالشان را در نظرشان جلوه داده و آنها را از راه باز داشته، از این رو هدایت نمی‌شوند.

حضرت سلیمان علیه السلام خطاب به بزرگانی که در مجلس حاضر بودند فرمود:

﴿أَيْكُمْ يَأْتِينِي بَعْرُهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ﴾^(۱).

کدام یک از شما تخت او را برای من می‌آورد پیش از آنکه به حال تسلیم نزد من آیند؟

در اینجا سلیمان پیامبر علیه السلام به روشنی از افرادی که جز خداوند متعال تقاضا و استمداد می‌کند و به بزرگان قوم خود می‌فرماید: کدامیک از شما می‌توانید به طور غیر عادی، تخت بلقیس را نزد من حاضر کنید؟

﴿قَالَ عَفْرِيْتُ مِنَ الْجِنَّ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ﴾^(۲).

عفریتی از جن گفتم: من آن را نزد تو می‌آورم پیش از آنکه از مجلس برخیزی و من نسبت به این امر توانا و امینم.

این جَنّی با بیان این که من بر این کار (توانا و امین) هستم، می‌خواهد به

۱- سوره نمل، آیه ۳۸.

۲- سوره نمل، آیه ۳۹.

حضرت سلیمان علیه السلام اطمینان خاطر دهد .

بعد از سخنان آن جنّی، شخص دیگری که به تعبیر قرآن از علم کتاب

بهره‌مند بود، لب به سخن گشود :

﴿ قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ
طَرْفُكَ ﴾ (۱).

اما کسی که دانشی از کتاب آسمانی داشت گفت: پیش از آن که چشم بر
هم زنی آن را نزد تو خواهم آورد.

در این قسمت از آیه شریفه ﴿ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ ﴾، حرف **من** تبعیضیه است.

یعنی او به بعضی از کتاب آگاهی دارد.

هنگامی که حضرت سلیمان علیه السلام تخت را در نزد خود دید فرمود:

﴿ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ
لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ ﴾ (۲).

این از فضل پروردگار من است، تا مرا آزمایش کند که آیا شکر او را به
جای می‌آورم یا کفران می‌کنم؟ هر کس شکر کند به نفع خود شکر
می‌کند و هر کس کفران نماید (به زیان خویش نموده است) پروردگار
من غنی و کریم است.

۱- سوره نمل، آیه ۴۰.

۲- سوره نمل، آیه ۴۰.

با اینکه تمام قدرتها در انحصار خداوند است، حضرت سلیمان علیه السلام آوردن تخت بلقیس را به خدا نسبت نمی‌دهد و از این بابت که یکی از افراد تحت امرش چنین قدرتی دارد، خداوند متعال را سپاس می‌گوید.

بنابر مبنای وهابیتون پیامبری که منادی توحید و دعوت کننده به یکتا پرستی است مشرک می‌گردد. زیرا از کسانی بجز خداوند استمداد نموده یاری می‌طلبد.

به راستی وهابیتون این آیه را چگونه تفسیر می‌کنند؟ و در پاسخ ما چه مطلبی برای عرضه دارند؟!

علم ائمه علیهم السلام به اسم اعظم الهی:

کسی که بهره‌ای از علم کتاب داشت، در کمتر از چشم برهم زدن تخت بلقیس را نزد حضرت سلیمان علیه السلام حاضر کرد. حال اگر کسی، بهره فراوانی از این علم داشته باشد چه قدرتی در اختیار خواهد داشت؟

در این رابطه امام باقر علیه السلام می‌فرمایند:

« إِنَّ اسْمَ اللَّهِ الْأَعْظَمَ عَلَى ثَلَاثَةِ وَسَبْعِينَ حَرْفًا وَإِنَّمَا كَانَ عِنْدَ آصَفٍ مِنْهَا حَرْفٌ وَاحِدٌ فَتَكَلَّمَ بِهِ فَخَسَفَ بِالْأَرْضِ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ سُرِيرِ بَلْقِيسَ حَتَّى تَنَاوَلَ السَّرِيرَ بِيَدِهِ ثُمَّ عَادَتِ الْأَرْضُ كَمَا كَانَتْ أَسْرَعَ مِنْ طَرْفَةِ عَيْنٍ؛
به درستی که اسم اعظم الهی دارای هفتاد و سه قسمت است. آصف از

این مقدار تنها یک بخش رامی دانست، و با آن زمین میان خود و تخت بلقیس را درهم پیچید و تخت را بدست خود گرفت و کمتر از چشم برهم زدن، زمین به شکل نخست خود بازگشت.

«و نحن عندنا من الإسم الأعظم إثنان وسبعون حرفاً وحرف واحد عند الله تعالى استأثر به في علم الغيب عنده ولا حول ولا قوة إلا بالله العليّ العظيم»^(۱).

هفتاد و دو قسمت از اسم اعظم خداوند در نزد ما می باشد. و یک حرف مخصوص علم غیب خداوند است و هیچ نیرو و قدرتی در جهان اثرگذار نیست مگر قدرت الهی.

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«إن عيسى بن مريم عليه السلام أعطي حرفين كان يعمل بهما وأعطى موسى أربعة أحرف وأعطى إبراهيم ثمانية أحرف وأعطى نوح خمسة عشر حرفاً وأعطى آدم خمسة وعشرين حرفاً»؛

به حضرت عیسی علیه السلام دو حرف داده شد که از آنها استفاده می نمود. و به حضرت موسی علیه السلام چهار حرف داده شد و به حضرت ابراهیم علیه السلام هشت حرف داده شد و به حضرت نوح علیه السلام پانزده حرف و به حضرت آدم علیه السلام بیست و پنج حرف داده شد.

حضرت عیسیٰ علیه السلام تمام معجزات خود، از جمله شفا دادن بیماران، زنده کردن مردگان و خبر دادن از غیب را تنها با علم به این دو حرف انجام می‌داد. حضرت موسیٰ علیه السلام با چهار حرف کارهای خود مثل شکافتن دریا، اژدها نمودن عصا و... را انجام می‌داد. همچنین با علم به این هشت حرف، آتش بر حضرت ابراهیم علیه السلام گلستان شد.

«وإن الله تعالى جمع ذلك كله لمحمد صلى الله عليه وآله وسلم وإن اسم الله الأعظم ثلاثة وسبعون حرفاً أعطي محمد صلى الله عليه وآله وسلم إثنين وسبعين حرفاً وحجب عنه حرف واحد»^(۱).

خداوند تمام قسمت‌هایی را که به انبیای گذشته علیهم السلام اعطا فرموده بود به پیامبر خاتم صلى الله عليه وآله وسلم داد. اسم اعظم خداوند هفتاد و سه قسمت دارد که از آنها هفتاد و دو حرف به پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم داده شده است و یک بخش از ایشان پوشیده ماند.

این یک حرف که از پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم پوشیده مانده است مخصوص خداوند متعال است و فارق جایگاه خداوند از دیگر مراتب است.

تمام قدرتها در اختیار خدا:

به طور قطع و یقین در عالم خلقت، موجوداتی هستند که دارای قدرتهای

۱- کافی، جلد ۱ صفحه ۲۳۰.

خارق العاده‌ای می‌باشند و قدرتِ تصرّف در عالم تکوین را دارند اما قدرت آنان در عرض قدرت لا یزال و مطلق خداوند متعال قرار ندارد. ذات اقدس ربوبی به آنان قدرتهایی را تفویض و واگذار نموده است. تمام قدرتها از آن خداوند قادر متعال می‌باشد و دیگر قدرتها در طول قدرت الهی قرار دارد.

در قرآن کریم از زبان حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام آمده است:

﴿الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ * وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ * وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ * وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ﴾^(۱).

همان کس که مرا آفرید، و پیوسته را هنماییم می‌کند * و کسی که مرا غذا می‌دهد و سیراب می‌نماید * و هنگامی که بیمار شوم مرا شفا می‌دهد * و کسی که مرا می‌میراند و سپس زنده می‌کند.

در این آیات شریفه حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام خلقت و هدایت، اعمّ از هدایت تکوینی و تشریحی را در انحصار خداوند متعال می‌داند. همچنین وی سیر نمودن، سیراب کردن، شفا دادن، زنده کردن و میراندن را مختصّ خداوند سبحان می‌داند در سوره الرحمن بیان شده است که فقط خداوند انسانها را می‌آفریند:

﴿الرَّحْمَنُ * عَلَّمَ الْقُرْآنَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ﴾^(۲).

خداوند رحمان * قرآن را تعلیم فرمود * انسان را آفرید.

۱- سوره شعراء، آیات ۸۱ تا ۷۸.

۲- سوره الرحمن، آیات ۳ تا ۱.

در قرآن کریم صریحاً بیان شده است که خلقت همه چیز در انحصار ذات اقدس ربوبی می‌باشد.

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا﴾^(۱).

او خدایی است که همه آن چه از نعمتها در زمین وجود دارد را برای شما آفرید.

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ﴾^(۲).

اوست که آسمانها و زمین را بحق آفرید.

خالق بودن حضرت عیسی علیه السلام :

در قرآن مجید آیاتی وجود دارد که خلقت را به حضرت عیسی علیه السلام نسبت

می‌دهد.

﴿وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ﴾^(۳).

از گل چیزی به شکل پرنده خلق می‌نمودی.

﴿أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ﴾^(۴).

از گل چیزی به شکل پرنده خلق می‌کنم.

۱-سوره بقره، آیه ۲۹.

۲-سوره انعام، آیه ۷۳.

۳-سوره مائده، آیه ۱۱۰.

۴-سوره آل عمران، آیه ۴۹.

آیا خداوند متعال برای خود شریک قائل است؟! اینطور نیست، بلکه قدرت حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَامُ در خالقیت از طرف خداوند متان به او واگذار شده است. قدرت وی در طول قدرت الهی و به اذن خداوند می باشد:

﴿فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ﴾^(۱).

و آن به اذن الهی پرنده ای جاندار می شد.

هدایتگر بودن قرآن و پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ :

بر اساس آیاتی که ذکر شد، خداوند متعال هدایت تکوینی و تشریحی مخلوقات را از آن خود می داند، اما آیاتی وجود دارد که هدایت را به قرآن مجید نسبت می دهد :

﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾^(۲).

آن کتاب با عظمتی است که شک در آن راه ندارد، و مایه هدایت پرهیزگاران است.

اگر فقط خداوند متعال هدایت کننده است و غیر او توان هدایت ندارد، چرا

قرآن، هدایت کردن را به خود نسبت می دهد؟

﴿طَسَّ تِلْكَ آيَاتُ الْقُرْآنِ وَكِتَابٍ مُّبِينٍ * هُدًى وَبُشْرَى لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾^(۳).

۱-سوره آل عمران، آیه ۴۹.

۲-سوره بقره، آیه ۲.

۳-سوره نمل، آیات ۲ و ۱.

« طس » این آیات قرآن و کتاب مبین است * وسیله هدایت و بشارت برای مؤمنان است.

و در آیاتی دیگر خداوند متعال هدایت را به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نسبت می‌دهد:

﴿وَأَنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾^(۱).

و تو مسلماً به سوی راه راست هدایت می‌کنی.

از مجموعه آیات استفاده می‌شود که هدایت کردن اختصاص به خداوند ندارد بلکه غیر خدا هم با اذن پروردگار ایفای وظیفه هدایت می‌کند. به عبارت دیگر هدایت قرآن و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در طول هدایت الهی قرار دارد.

اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام ، اطعام کننده :

در آیاتی که بیشتر بیان شد، حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام سیر نمودن و سیراب کردن را به خداوند متعال نسبت می‌دهد. اما در سوره انسان که در فضیلت خاندان عصمت و طهارت عَلَيْهِمُ السَّلَام نازل شده است^(۲)، سیر نمودن خلائق به آنان عَلَيْهِمُ السَّلَام نسبت داده شده است.

﴿إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لَوْجِهَ اللَّهِ﴾^(۳).

[و می‌گویند: ما شما را به خاطر خدا اطعام می‌کنیم.]

۱- سوره شوری، آیه ۵۲.

۲- بحار الانوار، جلد ۳۵ صفحه ۲۳۷ و از منابع اهل تسنن بنگرید به شواهد التنزیل، جلد ۲ صفحه ۳۹۳.

۳- سوره انسان، آیه ۹.

حضرت موسیٰ علیه السلام سیراب کننده:

در سوره قصص حضرت شعیب علیه السلام سیراب کردن را به حضرت موسیٰ علیه السلام نسبت می دهد. هنگامی که حضرت موسیٰ علیه السلام به مدین رفت، برای دختران حضرت شعیب علیه السلام آب از چاه بیرون آورد. دختران نزد پدرشان، ماجرا را باز گو نمودند. حضرت شعیب علیه السلام یکی از دختران خود را با پیامی نزد حضرت موسیٰ علیه السلام فرستاد:

﴿إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا﴾^(۱).

پدرم از تو دعوت می کند تا مزد آب دادن (به گوسفندان) را که برای ما انجام دادی به تو بپردازد.

قرآن و عسل شفا دهنده:

شفا و درمان بیماران مختص خداوند متان می باشد و یکی از نامهای ذات ذوالجلال ربوبی شافی^(۲) می باشد. اما خداوند متعال شفا دادن را به قرآن و عسل نیز نسبت می دهد.

﴿وَنُنزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾^(۳).

۱- سوره قصص، آیه ۲۵.

۲- مفاتیح الجنان، دعای جوشن کبیر.

۳- سوره اسراء، آیه ۸۲.

و از قرآن آن چه شفا و رحمت است برای مؤمنان، نازل می‌کنیم.
 ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى
 وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾^(۱).

ای مردم! اندرزی از سوی پروردگارتان برای شما آمده است و
 درمانی برای آن چه در سینه هاست و هدایت و رحمتی است برای
 مؤمنان.

﴿يَخْرُجُ مِنْ بَطُونِهَا شَرَابٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِّلنَّاسِ﴾^(۲).
 و از درون شکم آنها، نوشیدنی با رنگهای مختلف خارج می‌شود که
 در آن شفا برای مردم است.

غیر خدا، زنده کننده و میراننده :

آیات فراوانی در قرآن مجید وجود دارد که زنده کردن و میراندن را به
 خداوند متعال نسبت می‌دهد.

﴿وَأَنَّهُ هُوَ أَمَاتَ وَأَحْيَا﴾^(۳).

و اوست که میراند و زنده کرد.

۱- سوره یونس، آیه ۵۷.

۲- سوره نحل، آیه ۶۹.

۳- سوره نجم، آیه ۴۴.

﴿اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا﴾^(۱).

خداوند جانها را به هنگام مرگ می‌گیرد.

اما در عین حال آیاتی وجود دارد که میراندن و زنده کردن را به غیر خداوند

متعال نسبت می‌دهد:

﴿مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَن قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا﴾^(۲).

به همین جهت، بر بنی اسرائیل مقرر داشتیم که هر کس، انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همهٔ انسانها را کشته و هر کس، انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همهٔ مردم را زنده کرده است.

این آیه به داستان کشته شدن هابیل توسط قابیل اشاره دارد. خداوند در

این آیه، حرمت کشتن انسان را بیان کرده، می‌فرماید: اگر فردی، شخصی را به ناروا بکشد، مانند این است که همهٔ مردم را کشته است. اگر شخصی، کسی را زنده کند، مانند این است که همهٔ مردم را زنده کرده است^(۳). خداوند متعال به همه

۱- سورهٔ زمر، آیه ۴۲.

۲- سورهٔ مائده، آیه ۳۲.

۳- هنگام قانون شکنی بین قتل یک نفر و تمام مردم تفاوتی وجود ندارد لذا خداوند متعال بین این دو تفاوتی نگذارده است.

موجودات از جمله انسانها حیات می‌دهد و آنان را می‌میراند. اما در این آیه، زنده کردن و میراندن به غیر خداوند نسبت داده شده است. همچنین در آیاتی دیگر خداوند متعال امانه و میراندن را به ملائکه نسبت می‌دهد.

﴿قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَّلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ﴾^(۱).

بگو فرشته مرگ که بر شما گماشته شده است روح شما را می‌گیرد.

﴿الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ﴾^(۲).

کسانی که فرشتگان جانشان را می‌گیرند و آنان بر خود ستم روا داشته‌اند.

﴿الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ﴾^(۳).

همانا که فرشتگان روحشان را می‌گیرند در حالی که پاک و پاکیزه‌اند.

پاسخ به وهابیون:

با توجه به آیاتی که ذکر نمودیم شبهه وهابیون پاسخ داده می‌شود. بدین بیان که خداوند متعال قادر مطلق است، خالقیت، هدایت، شفا، سیر کردن، سیراب نمودن... و همه وجود، در ید قدرت قاهره او است، اما در عین حال خداوند منان

۱- سوره سجده، آیه ۱۱.

۲- سوره نحل، آیه ۲۸.

۳- سوره نحل، آیه ۳۲.

بهره‌ای از قدرتهای خود را به موجوداتی دیگر واگذار می‌نماید. قدرت آنان در طول قدرت خداوند متعال قرار دارد. هیچ موجودی مستقلاً، از خود هیچ قدرتی ندارد و نمی‌تواند در عرض قدرت خداوند قادر عرض اندام و قدرت نمایی نماید.

اهل بیت علیهم‌السلام مفسران واقعی قرآن:

در پاسخ به شبهه وهابیتون تنها از قرآن مجید استفاده نمودیم و به هیچ روایتی استناد ننمودیم. مگر نه آن است که وهابیتون مدعی اند که قرآن را قبول دارند، پس علت انحراف آنان چیست؟ چرا مخالف نص صریح قرآن فتوا می‌دهند؟

فهم قرآن نیازمند معلم و مفسر است. مفسران حقیقی قرآن کسانی نیستند جز اهل بیت وحی علیهم‌السلام. قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام در کنار هم قرار دارند و از هم جدایی ناپذیرند.

رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرمایند:

«إني تارك فيكم الثقلين كتاب الله عز وجل وعترتي أهل بيتي»^(۱).

من دو چیز گرانبها در نزد شما به جای می‌گذارم کتاب خداوند و اهل بیت علیهم‌السلام].

۱- امالی صدوق قدس، صفحه ۵۰۰ مجلس ۶۴- بحار الانوار، جلد ۵ صفحه ۲۱، از منابع اهل تسنن بنگرید به مسند احمد، جلد ۳ صفحه ۱۴، مستدرک حاکم، جلد ۳ صفحه ۱۴۸.

امام باقر علیه السلام می فرمایند:

«إِنَّمَا يَعْرِفُ الْقُرْآنَ مَنْ خُوِطِبَ بِهِ»^(۱).

تنها کسانی قرآن را می فهمند که مورد خطاب آن هستند. (کسانی که قرآن بر آنها نازل شده است)

همه تحت فرمان و اراده الهی:

کسانی که از جانب خداوند مئان به آنان قدرتهایی افاضه شده است، قدرت دخل و تصرف در عالم تکوین را دارند و از قدرت خود استفاده می کنند. امکان ندارد که خداوند به موجوداتی قدرتهایی را عطا فرماید ولی به آنان بگوید از قدرت خود استفاده نکنید زیرا این کار لغو و بیهوده است و از خداوند حکیم، هیچ کار بیهوده و عبثی صادر نمی شود.

همه چیز تحت قدرت و اختیار ذات اقدس ربوبی قرار دارد، و همه از او فرمان می برند. خداوند متعال به ملائکه قدرت میراندن داده است و آنان به اذن و اجازه وی این کار را انجام می دهند، خداوند به داروهای گیاهی و شیمیایی قدرت درمان داده است. تا خواست و اراده خداوند نباشد عسل و... شفا نمی دهد. آتش به خواست خداوند می سوزاند و به اراده وی گلستان می گردد.

۱- کافی، جلد ۸ صفحه ۳۱۲.

﴿قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ﴾^(۱).

گفتیم ای آتش بر ابراهیم [علیه السلام] سرد و سلامت شو.

درخواست یهودیان از حضرت موسی [علیه السلام]:

هنگامی که یهودیان گرفتار خشک سالی شدند، از حضرت موسی [علیه السلام] آب

خواستند.

﴿وَقَطَعْنَا لَهُمْ آيَاتِنَا مِن مَّاءٍ مُّسَوًّى وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ إِذِ اسْتَسْقَاهُ قَوْمُهُ أَنِ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَّشْرِبَهُمْ وَظَلَلْنَا عَلَيْهِمُ الْعَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّٰنَ وَالسَّلْوَىٰ كُلُّوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ﴾^(۲).

ما آنها را به دوازده گروه - که هر یک شاخه‌ای از دودمان اسرائیل بود - تقسیم کردیم. و هنگامی که قوم موسی [علیه السلام] در بیابان از او تقاضای آب کردند، به او وحی فرستادیم که عصای خود را بر سنگ بزن. ناگهان دوازده چشمه از آن بیرون جست، آن چنان که هر گروه چشمه و آبشخور خود را می‌شناخت، و ابر را بر سر آنان سایبان ساختیم و بر آنها (مَنَّ) و (سلوی) فرستادیم، و به آنان گفتیم: از روزیهای پاکیزه‌ای

۱- سوره انبیاء، آیه ۶۹.

۲- سوره اعراف، آیه ۱۶۰.

که به شما داده‌ایم بخورید و شکر خدا را به جا آورید. آنها نافرمانی و ستم کردند ولی به ما ستم نکردند، لکن به خودشان ستم می‌نمودند. قوم یهود دوازده گروه بودند و با هم اختلاف داشتند. حضرت موسی علیه السلام با عصای خود به سنگ زد و دوازده چشمه جوشید. یهودیان از آب و نعمتهای دیگری که خداوند به آنان ارزانی داشت استفاده کردند، طلب باران در خشک سالی، درخواستی غیر متعارف می‌باشد.

خداوند متعال درخواست یهودیان از حضرت موسی علیه السلام را تقاضایی ناشایست و ناپسند نمی‌داند و آنان را بابت این کار، مشرک معرفی نمی‌کند. حال اگر ما در پیشگاه حضرت بقیة الله الأعظم (عجل الله فرجه الشریف) با کمال خضوع و تواضع دست حاجت دراز نماییم و از ایشان تقاضایی کنیم، مشرک هستیم؟ چگونه است که یهودیان می‌توانند از حضرت موسی علیه السلام تقاضای آب کنند و ما شیعیان نباید هیچ‌گونه درخواستی از اولیای الهی داشته باشیم.

مرگ، حیاتی بالاتر:

وهابیان با این استدلال که مرگ نابودی و نیستی است، حاجت خواستن و توسل به اولیای الهی که دارای حیات دنیوی نیستند را باطل و نادرست می‌پندارند. اما باید بدانند که طبق منطق روشن قرآن کریم، مرگ نابودی نیست و انتقال از یک منزل به منزلی دیگر است و همان خدایی که حیات را آفریده است،

مرگ را نیز خلق کرده است. نمی‌توان چیزی را که مخلوق است معدوم به حساب آورد.

خداوند متعال در رابطه با شهدا می‌فرماید:

﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ﴾^(۱).

(ای پیامبر!) هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند مردگانند، بلکه آنان زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.

این آیه روشن می‌سازد که شهدا دارای حیات و قدرت بالاتری از حیات و قدرت دنیوی هستند و هیچ اشکالی ندارد که بتوانند در عالم تصرف نمایند^(۲).

هتک مجدد حرم مطهر عسکریین علیهم‌السلام:

وهابیان با بهانه شرک مراقد مطهر ائمه اطهار علیهم‌السلام که مکانی برای عبادت و توسل به اولیای الهی است را با خاک یکسان کردند. امروز نیز به اعمال وقیحانه خود ادامه می‌دهند. همانطور که آگاه هستید امروز هم به همان بهانه واهی حرم مطهر عسکریین علیهم‌السلام را دوباره مورد حمله و تهاجم دد منشانۀ خود قرار دادند و گلدسته‌های آن را ویران نمودند. آیا شیعیان در آن حرم مطهر و سرداب مقدّس

۱- سوره آل عمران، آیه ۱۶۹.

۲- برای آگاهی بیشتر بنگرید به جزوه شماره ۱۲ صفحه ۱۶.

امام عصر (عجل الله فرجه الشريف) کاری بجز خواندن نماز و قرآن و عبادت انجام می‌دادند؟ آیا آن جا مکانی برای ارتباط و پیوند با درگاه الهی نبود؟ آیا شیعیان در آن محل مقدس به جز پناه بردن و درخواست حاجت از پیشگاه ولی الله مطلق از کس دیگری حاجت خود را طلب می‌نمودند؟

وحدت یا تحریف حقایق:

اندیشه و تفکر بی اساس وهابیت موجب نابودی اندیشه و پیشرفت انسانی است، و در شگفتی از کسانی که ما را به وحدت دعوت می‌کنند! چگونه می‌توانیم با این خشک سرها و نادانانی که عقلی قلیل و فکری علیل دارند متحد شویم؟ آری! وحدت صوری و شکلی با بعضی از فرق اسلامی در برابر دشمن مشترک امر معقولی می‌باشد^(۱). اما متأسفانه برخی می‌خواهند در پرتوی شعار وحدت، شیعیان از عقاید حقه خود دست بردارند. آنان در راستای شعار وحدت سخنانی خلاف واقع و کذب محض را مطرح می‌کنند و موجب انحراف و گمراهی کسانی می‌شوند که اطلاع دقیق و کافی از متون دینی و تاریخی ندارند. یکی از سخنان باطل آنان که هیچ مورّخی بر آن صحّه ننهاد، این است که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام با رضا و رغبت با شیخین (لعنهما الله) بیعت کردند.

۱- در شرح زیارت عاشورا بطور مفصل مسأله وحدت و معنای آن را تبیین نموده ایم. انشاء الله این کتاب بزودی در دسترس علاقمندان قرار می‌گیرد.

هر کس اندک مطالعه‌ای در تاریخ اسلام و روایات دارد، می‌داند که ریسمان به گردن مبارک حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام انداختند و ایشان را به اجبار برای بیعت به مسجد بردند و در برابر دیدگان شریفشان همسرشان را تازیانه زدند^(۱). آیا در نزد شما این گونه بیعت کردن، با طوع و رغبت^(۲) است؟

بنده در همین جا اعلام می‌کنم که با سراینندگان این یاوه‌ها چون فضل الله، واعظ زاده خراسانی و تسخیری حاضر به مناظره زنده تلویزیونی، در برابر مراجع عظام و رهبر انقلاب هستم. یک مناظره علمی و فنی و به دور از شوائب سیاسی، آیا می‌توانند پرسشهای ما را پاسخ دهند؟ برای رعایت احترام و ادب شخصاً در مناظره با آنان شرکت می‌کنم و یقین دارم اگر آنان شهادت و شجاعت مناظره داشته باشند در سطوح پایین‌تر هم به شکست محکوم خواهند شد.

یادی از شهادت حضرت فاطمه علیها السلام:

در آستانه شهادت حضرت صدیقه کبری علیها السلام هستیم.

امام سجاد علیه السلام هنگامی که در شام خطبه خواندند خود را اینگونه معرفی

نمودند:

۱- بحار الانوار، جلد ۲۸ صفحه ۲۲۷- از منابع اهل تسنن بنگرید به الامامة والسیاسة، جلد ۱ صفحه ۳۰.

۲- طوع و رغبت: به میل و اراده خویش (فرهنگ معین).

«أَيُّهَا النَّاسُ أَنَا ابْنُ مَكَّةَ وَمَنِي وَأَنَا ابْنُ زَمْزَمٍ وَالصَّفَا... أَنَا ابْنُ أَصْبَرَ الصَّابِرِينَ»^(۱).

ای مردم من فرزند مکه و مناهستم، من فرزند زمزم و صفا هستم... من فرزند صابرتترین مردمانم.

آری حضرت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ مصایب فراوانی دیدند و صبر کردند، و در رابطه با صبر خود فرمودند:

«فصبرت وفي العين قذى وفي الحلق شجا»^(۲).

من راه بردباری را پیش گرفتم، بردباری کسی که در چشم او، خس و خاشاک فرو رفته و در گلویش استخوانی راه را مسدود کرده است.

«وصبرت من كظم الغيظ على أمرٍ من العلقم وآلم للقلب من وخز

الشَّفَار»^(۳).

و صبر کردم در فرو بردن غضب، صبری که برای ذائقه تلخ تر از حنظل بود و برای قلب درد آورتر از لبه شمشیر.

در شام سیزدهم جمادی الاولی یا شام سوم جمادی الثانی بود، که حضرت

امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ همسر خود را به خاک سپرده خطاب به رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عرضه داشتند:

۱- بحار الانوار، جلد ۴۵ صفحه ۱۳۸.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۳ (شقشقیه).

۳- نهج البلاغه، خطبه ۲۱۷.

«قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ صَفِيَّتِكَ صَبْرِي»^(۱).

ای رسول الله ﷺ! در فقدان دختر نازنین شما شکیبایی از دستم رفت.

امیرالمؤمنین عليه السلام که اصبر الصابرين بودند در برابر مصیبت‌های حضرت زهرا عليها السلام دیگر نتوانستند صبر نمایند. سخن ایشان عليها السلام ناظر به کدام یک از مصایب بود؟ وقتی دست‌های همسرشان عليها السلام را دیدند، هنگامی که حضرت فاطمه زهرا عليها السلام میان در و دیوار بودند و یا هنگامی که در کوچه در میان دیدگانش، همسرش عليها السلام را تازیانه زدند.

«إلهي بفاطمة وأبيها وبعلمها وبنيتها والسر المستودع فيها تقسمك ونسألك»
خداوند! به حضرت زهرا عليها السلام و اهل بیت عليهم السلام تو را سوگند می‌دهیم که پیوند و ارتباط ما را با اهل بیت عليهم السلام در دنیا و آخرت مستحکم بدار.
دست ما از دامان ولایتشان کوتاه مفرما. دشمن اهل بیت عليهم السلام در نسل و ذریه ما قرار مده، در ظهور حضرت بقية الله الأعظم (عجل الله فرجه الشريف) تعجیل بفرما.

« والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته »

۱- نهج البلاغه، خطبة ۲۰۲ و مناقب شهر آشوب، جلد ۳ صفحه ۱۳۹.

خود آزمایی:

- ۱ - چه کسانی و به چه علت حرم مطهر ائمه اطهار علیهم السلام را ویران می‌کنند؟
- ۲ - استمداد چند نوع است؟ برای هر کدام آیه‌ای بیان نمایید؟
- ۳ - بلقیس چه کسی بود؟ حضرت سلیمان علیه السلام برای بدست آوردن تخت او، از چه کسانی یاری خواست؟
- ۴ - اسم اعظم خداوند متعال چند قسمت دارد؟ ائمه اطهار علیهم السلام به چند قسمت علم دارند؟ دو روایت بیان کنید.
- ۵ - حضرت ابراهیم علیه السلام خلقت، هدایت،... را به چه کسی نسبت می‌دهد؟ آیه مربوط را توضیح دهید.
- ۶ - آیاتی را ذکر کنید که در آنها، خلقت، هدایت، شفا، سیر کردن و... به کسانی جز خداوند متعال نسبت داده شده است. توضیح دهید که تناقضی در آیات قرآن وجود ندارد.
- ۷ - سوره انسان در فضیلت چه کسانی نازل شده است؟
- ۸ - آیا قرآن کریم به تنهایی فهمیده می‌شود؟ مفسران واقعی قرآن چه کسانی هستند؟
- ۹ - یهودیان از حضرت موسی علیه السلام چه خواستند؟
- ۱۰ - منادیان نادان وحدت، در پرتوی این شعار چه اهدافی را دنبال می‌کنند؟
- ۱۱ - دو مورد از مخالفت وهابیت با کتاب خدا را بیان کنید.

به سوی معرفت ۱۵

۴

... اما متأسفانه برخی می‌خواهند در
پرتوی شعار وحدت، شیعیان از عقاید
حقّه خود دست بردارند. آنان در راستای
شعار وحدت سخنانی خلاف واقع و کذب
محض را مطرح می‌کنند و موجب
انحراف و گمراهی کسانی می‌شوند که
اطلاع دقیق و کافی از متون دینی و تاریخی
ندارند. یکی از سخنان باطل آنان که هیچ
مورّخی بر آن صحّه ننهاده، این است که ...
(صفحه ۲۶ از همین جزوه)

www.yasrebi.ir

پست الکترونیک: info@yasrebi.ir

محل برگزاری جلسات :

کاشان: حسینیه بیت حضرت آیت الله یثربی

تلفن: ۴۴۴۴۳۴۳ - ۴۴۴۵۲۷۷ - ۴۴۴۹۹۳۳ نمابر: ۴۴۴۹۹۳۳